

## بررسی ویژگیهای سبکی عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات طوسی با تأملی در سطح فکری

وحیده سلطانی‌نیا، مریم غلامرضاییگی\*، مریم شایگان

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

خرداد ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۵، صص ۱۵۳-۱۳۷

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.6900

### نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** شناخت زمینه‌های فکری نویسندگان دوره‌های گذشته بویژه عجایب‌نگاران، از طریق مطالعه در چگونگی طرح موضوعات تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و... در آثار ایشان امکان‌پذیر است. در این راستا بررسی سبکی اثر محمدبن احمد طوسی میتواند به کشف بخشی از سطح فکری او بعنوان یکی از عجایب‌نگاران قرن ششم منجر شود.

**روش مطالعه:** در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی، استفاده شده است. این تحقیق میکوشد با مطالعه عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات، به بررسی ویژگیهای سبکی و واکاوی سطح فکری نویسنده در ارائه موضوعات مختلف بپردازد و از این گذرگاه به این پرسش پاسخ دهد که آیا سبک طوسی در توصیف پدیده‌ها متأثر از سطح فکری اوست؟

**یافته‌ها:** طوسی بعنوان یکی از عجایب‌نگاران آگاه قرن ششم، بیش از هر گروه فکری در رابطه با طرح موضوعات مختلف و توصیف پدیده‌ها، با مستندات دینی معتبر، به اعتبار نوشتاری خود افزوده است.

**نتیجه‌گیری:** بررسی سبکی عجایب‌نامه طوسی گویای آن است که زبان نویسنده، غالباً متأثر از اندیشه‌های دینی اوست. این اثر منبع ارزنده‌ای برای آشنایی با باورهای مردم آن دوره است. طوسی تلاش میکند با نقوذ در باورهای مردم، پیوند فکری ایشان با اندیشه‌های حاکم بر زمانه را با معرفی و شرح عجایب و غرایب، به اعتبار استنادات قرآنی و علمی حفظ نماید. او برای پرداختن عمیقتر به موضوعات، از سبک توصیفی خاصی استفاده نموده است.

تاریخ دریافت: ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۳۰ خرداد ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۱۵ تیر ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۳۱ مرداد ۱۴۰۱

#### کلمات کلیدی:

عجایب‌نامه، محمد طوسی، سطح فکری، سبک توصیفی

\* نویسنده مسئول:

beigi@iauk.ac.ir

۰۰۲۲۲۴۳۱۳۴ (+۹۸ ۳۴)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigating the stylistic features of the Tusi's Ajaeb al-makhloghat and Gharaeb al-makhloghat with a reflection on the intellectual level

V. Soltaninia, M. Gholamrezabigi\*, M. Shaygan

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 17 May 2022  
 Reviewed: 20 June 2022  
 Revised: 06 July 2022  
 Accepted: 22 August 2022

KEYWORDS

Ajaibnameh, Mohammad Toosi, intellectual level, descriptive style

\*Corresponding Author

✉ [beigi@iauk.ac.ir](mailto:beigi@iauk.ac.ir)

☎ (+98 34) 31322400

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** It is possible to know the intellectual backgrounds of the writers of the past periods, especially the writers of the past, through studying how historical, geographical, social, economic, etc. issues are presented in their works. In this regard, the stylistic analysis of Mohammad Ibn Ahmad Toosi's work can lead to the discovery of a part of his intellectual level as one of the great painters of the 6th century.

**METHODOLOGY:** Descriptive-analytical method has been used in this research. By studying the Ajaeb al-makhloghat and Gharaeb al-makhloghat, this research tries to examine the stylistic features and analysis of the intellectual level of the author in presenting various topics, and from this passage, to answer the question whether Tusi's style in describing phenomena is affected by his intellectual level.

**FINDINGS:** Findings: Tusi, as one of the well-known wonder writers of the 6th century, has added to his writing credibility more than any other intellectual group in terms of presenting various topics and describing phenomena with authentic religious documents.

**CONCLUSION:** Conclusion: The analysis of the style of Tusi's Ajaibname shows that the author's language is often influenced by his religious thoughts. This work is a valuable source for getting to know the beliefs of the people of that period. Tusi tries to influence the beliefs of the people and maintain their intellectual connection with the prevailing thoughts of the time by introducing and explaining the strange and strange, with the validity of Quranic and scientific references. He has used a special descriptive style to deal more deeply with the topics.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.6900](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.6900)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 12	 0	 0

## مقدمه

سبک یک اثر، بیان‌کننده عناصر زبانی و امکانات بالقوه‌ای است که در آن وجود دارد. برای بررسی سبکی اثر، تنها نمیتوان به بازگو کردن اندیشه و ذهن نویسنده آن بسنده کرد. گفتنی است سبک یک اثر، مجموع ویژگی‌هایی است که در آن به کار رفته است؛ از نظر میزان کاربرد، بیشترین بسامد را داشته و باعث تمایز یک نوشته از آثار دیگر شده است. وجود این عوامل و ویژگی‌هاست که صدای هر نویسنده‌ای را از دیگری متمایز و متفاوت مینماید (رضایی و خیری، ۱۳۹۶). بر این اساس میتوان گفت بررسی اندیشه طوسی بتنهایی نمیتواند بازگوکننده سبک عجایب‌نامه او باشد، دیگر ویژگی‌های ادبی و زبانی نیز در این اثر، در چنین جایگاهی هستند. سبک عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات با تمامی ویژگی‌های هنرمندانه‌ای که مؤلف برای به اوج رساندن اثر خود به کار گرفته است، معنا یافته و آن را از دیگر آثار همطیف متمایز میسازد. نثر عجایب‌نامه‌ای نتیجه رخدادهای طبیعی و غیرطبیعی شگفتی است که در طول سالیان ذهن آدمی را به خود مشغول داشته و او را از سیر و سفرهای طولانی برای کشف ناشناخته‌ها به مدد دانسته‌های ملاحان و سیاحان و گاه اقوال عامه، بی‌نیاز نموده و به خوانش اینگونه آثار دعوت میکند.

هنگامی که سبک نویسنده بلحاظ محتوایی و فکری مورد بررسی قرار میگیرد، مؤلفه‌هایی چون شخصیت و محیط جامعه اثرگذارند، البته از تأثیر جهان‌بینی نویسنده نیز نباید غافل بود. «جهان‌بینی عبارت است از نگرش انسان به هستی و توجیه و تبیین آن در رابطه با انسان. به عبارت دیگر دیدی کلی که انسان از جهان هستی دارد و براساس آن به تعبیر و تفسیر آن میپردازد، جهان‌بینی نامیده میشود و بطور کلی برداشت کلی انسان از جهان هستی را جهان‌بینی او میگویند. بصورت دیگر جهان‌بینی یک سلسله اعتقادات و بینشهای کلی هماهنگ درباره جهان و انسان و بطور کلی درباره هستی میباشد. جهان‌بینی درواقع قسمتی از هستی‌شناسی میباشد و عناصر آن عبارتند از: الف: توجیه جهان هستی، ب: توجیه انسان، ج: رابطه انسان با هستی» (مطهری، ۱۳۸۰: ۶۴). اگر به علوم رایج در دوره‌های گذشته مراجعه کنیم، متوجه خواهیم شد، بسیاری از عجایب‌نامه‌ها حاوی علوم و معارف زمان خویشند که اگرچه برخی از آنها جنبه عوامانه داشته و باورهای نه‌چندان علمی و عقلانی افراد زمان خویش را مطرح میکنند، اما کتبی هستند که علاوه بر طرح آن باورها، به موضوعات دیگری نظیر دیدگاه‌های هستی‌شناسانه نیز میپردازند و سعی میکنند جهان هستی را از جهات مختلف مورد بررسی قرار دهند. این آثار را به دانشنامه‌هایی تشبیه میکند که عملاً معارف و علوم زمان خویش را توصیف میکنند. دانش امروزی نیز، عجایب‌نامه‌ها را کتبی برای طرح شگفتیهای جهان میداند که غالباً موضوعاتی خیالی و غیرواقعی را مطرح میکنند.

زمانی که عجایب‌نگاری در تمدن اسلامی به اوج خود رسید، اشخاصی با داشتن توانمندیهای علمی و اعتقادات درونی، علاوه بر عجایب ملتها، با هدفی خاص به نگارش عجایب موجودات و مخلوقات، مطابق مباحث دینی پرداختند. در ادبیات جهان اسلام، عجایب‌نگاری در قالب انواع ادبی قرار گرفته و عقیده بر آن است که دارای خاستگاه مذهبی، تاریخی و اجتماعی است و بواسطه تخیلات نویسنده و دیدگاه حاکم بر نگارش آن، واجد اهمیت هستند، همانطور که گفته شده «از انواع ادبیات در تمدن اسلامی، عجایب‌نگاری است. نگارش اطلاعات شگفت‌انگیز سرزمینها در متون جغرافیای همزمان با آغاز جغرافیانگاری وصفی، سبب شد تا اینگونه اطلاعات مورد توجه نویسندگان مختلف قرار گیرد. سپس با توجه به عوامل مختلف مانند اقبال عامه مردم به اینگونه اطلاعات، عدم انس و الفت نویسندگان با پدیده‌های مختلف که خیال‌پردازیهایی آنان را نیز در پی داشت، به همراه استفاده از انواع ظرافتهای ادبی مانند اغراق و حقیقت‌نمایی سبب شد تا عجایب‌نگاری در سطح گسترده رایج گردد. بتدریج

عجایب‌نگاری به متون مختلف راه پیدا کرد و سرانجام در متون مستقل عجایب‌نگاری انسجام یافت» (اشکواری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۹).

### ضرورت و سابقه پژوهش

در زمینه عجایب‌نگاری پژوهش‌های انگشت‌شماری صورت گرفته است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود: مقاله‌ای با عنوان «بررسی انتقادی سنت عجایب‌نگاری در جهان اسلام» از حاتمی (۱۳۹۸) که به مطالعه موردی عجایب‌المخلوقات رازی پرداخته است. نویسنده از زاویه کیهان‌شناسی و علوم اسلامی به عجایب‌نگاریهای اسلامی، بویژه عجایب‌المخلوقات رازی نگاه کرده است. نویسنده ادعا دارد اغلب عجایب‌نامه‌ها، ابعادی عامیانه دارند و نمیتوان بر وجه علمی آنها اعتماد کرد. او مدعی است بیشتر اطلاعات عجایب‌نامه‌ها نقلی و روایی است و ریشه در منبع علمی و تاریخی معتبری ندارد. مقاله‌ای با عنوان «عجایب‌نگاری ابن فقیه در کتاب البلدان» از اشکواری (۱۳۹۲). نویسنده علاوه بر بررسی چگونگی نگارش کتاب، انواع عجایب در «البلدان» را به پدیده‌های انسانی و پدیده‌های طبیعی تقسیم کرده است. در ضمن این پژوهش، منابعی که ابن فقیه در تدوین کتابش به آنها استناد کرده است نیز معرفی شده است. این مقاله نزدیکترین اثر به پژوهش حاضر است؛ زیرا نویسندگان در باب نقل و روایت طوسی و میزان اعتبار متن، مطالبی را ارائه داده‌اند. مقاله دیگر با عنوان «تحسین جغرافیدان عجایب‌نگار اندلسی» از صادقی و اشکواری (۱۳۹۴) است. نویسندگان به اهمیت کتاب از جهت اطلاعات جغرافیایی عصر نویسنده اشاره کرده‌اند؛ مسالک و ممالک، جغرافیای طبیعی، جغرافیای اقتصادی و اشاره به وجه تسمیه شهرها و مناطق مختلف از مواردی است که نویسندگان به آن پرداخته‌اند. مقاله «جهان‌شناسی در عجایب‌نگاری» از اشکواری و همکارانش (۱۳۹۸)، با پرسش عجایب‌نگاریها از حیث جهان‌شناسی آغاز گردیده و اینکه نظم حاکم بر جهان چگونه عمل کرده است؟ این مقاله به عجایب‌نگاری در تمدن اسلامی اشاره کرده و انواع پژوهشها در این زمینه را دسته‌بندی نموده و به تعریف جهان و جهان‌شناسی پرداخته است و از نظر فلاسفه اسلامی نیز در تعریف جهان هستی استفاده کرده است. ضمن اینکه جهان‌نگاریهای عرفانی را هم از نظر دور نداشته و مؤلفان خاطر نشان میشوند که هدف اصلی، نشان دادن قدرت و عظمت حضرت حق است که استنادی معتبر برای نویسندگان مسلمان این متون است. مقاله «مقایسه مضامین مشترک در تحفه‌الغرائب طبری و عجایب‌نامه همدانی» از ابیضی اسفهلان و محمدی؛ پژوهندگان در این مقاله به بررسی مشترکات در عجایب‌نامه همدانی و تحفه‌الغرائب طبری پرداخته و فن نگارش عجایب‌نامه‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند. آنان بر این باورند که اکثر نویسندگان، این نوع متون را در ردیف کتب جغرافیا دسته‌بندی میکنند؛ درحالیکه گستردگی مطالب گنجانده در یک عجایب‌نامه فراتر از جغرافیا بوده و در واقع بمنزله دانشنامه‌ای از علوم مختلف است و بعد از این مطالب، نگاهی به عجایب‌نامه‌ها انداخته و ویژگیهای سبکی و مضامین مشترک در این دو اثر را بررسی میکنند. عنوان مقاله دیگر «رابطه علم معانی با سبک‌شناسی» از صدقی و همکاران است که در آن به سبک‌شناسی از دیدگاه علم معانی پرداخته و به پیوند نزدیک سبک‌شناسی با علوم معانی اشاره شده است.

در باب ضرورت این پژوهش، به این مهم باید اشاره کرد که با بررسی سبک این اثر میتوان ضمن شناسایی عناصر لفظی و پربرسامد که شیوه هر نویسنده را نسبت به دیگران، متفاوت میسازد و در عرصه زبانی نیز آشکارا خودنمایی میکند، به ذهنیات خالق یک اثر دست یافت. با توجه به اینکه این نوع آثار در گروه دایرةالمعارفهای عمومی و

دانشنامه‌های دوران گذشته قرار میگیرند، مطالعه آنها موجب آشکار شدن جنبه‌های پنهان فرهنگ، جهان‌بینی و اساساً ذهن پیشینیان و تبیین چهارچوب نظری آن دوره میشود.

### روش مطالعه

روش انجام کار در این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی است. ابتدا ضمن مطالعه اثر، همه موارد و مصادیق مرتبط با سطوح زبانی، ادبی و فکری نویسنده استخراج میشود؛ سپس با توجه به داده‌های به دست آمده میتوان نتیجه‌گیری کرد که آیا طوسی در توصیف پدیده‌ها تحت تأثیر گفتمان حاکم بر جامعه است؟ و آیا قادر به طراحی ساختار منسجمی برای نظریات او در طرح موضوعات مختلف هستیم یا خیر. با توجه به داده‌های به دست آمده میتوان دریافت سطح فکری نویسنده منتج به نوعی سبک توصیفی شده است و رابطه منسجمی میان نظریات طوسی در ارائه موضوعات شگفت و باورهای دینی‌اش وجود دارد. براساس نگاه و نگرش مؤلف به گستره هستی، بازتعریف پدیده‌های طبیعی ابزار مهم و کارآمدی بمنظور فهم آسان مفاهیم این اثر تلقی میشود.

### بحث و بررسی

#### مهمترین ویژگیهای سبک نثر قرن ششم

در نیمه قرن پنجم، نثر را در دوره بلوغ و در قرن ششم و اوایل قرن هفتم آن را در حال پختگی و کمال مییابیم. تألیف کتاب در موضوعهای گوناگون علمی در این دوره، رواج یافت و نثر ساده به کمال رسید و نثر مصنوع هم رایج شد. سبک نثر در سده ششم هجری اگرچه تکامل یافته دوره قبلی است، در اثر تغییر و تحولاتی که در جامعه رخ داد، موجب دگرگونی‌هایی در ادبیات شد. در این دوره به کار بردن لغات و اصطلاحات عربی، استنادات قرآنی، حدیث و خبر، نسبت به قبل که کاربرد نداشت و یا کمتر مورد توجه قرار میگرفت، افزایش یافت. اختصاصات عمده نثر فنی که در کتب این دوره از بسامد زیادی برخوردار است عبارتند از: استفاده از سجع، آرایشهای لفظی، تشبیه، استعاره و استشهاد به آیات قرآن و احادیث نبوی، امثال الحکم، اشعار فارسی و عربی، مترادفات، اطناب و توصیف، که بیشتر و مفصلتر از نثرهای دوره‌های پیش است (بهار، ۱۳۸۱). از دیگر مسائلی که در تاریخ نثر این دوره اهمیت دارد، توجه نویسندگان، علیرغم استنادهای قرآنی، به فارسی‌نویسی است که عمده‌ترین دلایل آن عبارتند از: گسترش عرفان و تصوف و شکلگیری دولت سلجوقی و بهره‌گیری از دبیران و نویسندگان تربیت‌یافته در خراسان و عراق؛ چنانکه کمتر، نامه و منشور و فرمانی به زبان عربی نگاشته میشد و بدین‌سان مجموعه‌های مشهوری از متون نثر پارسی پدید آمد (صفا، ۱۳۵۶). «قرن ششم یعنی عصر سلجوقیان بلحاظ تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی از مهمترین ادوار ادبیا ماست. ... در نثر، سبک مسلط، نثر فنی است؛ اما نثر مرسل خصوصاً در کتب علمی و عرفانی رایج است. علاوه‌براین نثر بینابینی هم (قسمتی مرسل و قسمتی فنی) وجود دارد» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۱۰۹).

از رهگذر مختصات نثر قرن ششم و با تأملی در عجایبالمخلوقات و غرایبالموجودات طوسی میتوان نثر این اثر را نثری بینابین دانست؛ زیرا نه به آن اندازه درگیر تکلفات نثر مصنوع و فنی است و نه آنقدر ساده و به دور از اصطلاحات عربی و استشادات قرآنی است که بتوان آن را نثر مرسل نامید. استنادات قرآنی، جملات کوتاه، جابجایی ارکان جمله، سادگی و روشنی بیان، اتصال حروف اضافه به کلمات بعد از خود، ازجمله مختصاتی است که جایگاه این متن دانشنامه‌ای را در سبک بینابین مرسل و فنی قرار میدهد. آنچه نثر عجایبنامه را متمایز میکند شیوه توصیفی در القای پیام و اندیشه نویسنده در پی سطح فکری متأثر از گفتمان حاکم بر عصر اوست.

محمدبن محمودبن احمد طوسی از جمله نویسندگانی است که کتاب عجایب‌المخلوقات و غرائب‌الموجودات را در حدود سالهای ۵۵۱-۵۶۲ ه.ق. به رشته تحریر درآورده است. او این کتاب را بر ده رکن و قانون نگاشته است و تفکر حاکم بر اثر او را که بصورت حلقه مفقوده قابل تبیین است میتوان با بررسی این اثر، بازگو کرد. به تأیید نویسندگان کتب تاریخ ادبی ایران، در این دوره، حاکمیت سیاسی تحت سیطره اهل سنت بوده است؛ هرچند اهل تشیع در همین زمان فعالیت‌های خود را در گوشه و کنار کشور آغاز کرده و مشغول ترویج عقاید مذهبی خود بوده‌اند و طوسی، اهل سنت و شافعی‌مذهب بوده است.

عصر پیش از طوسی دوره اوج علم‌گرایی اسلامی است؛ تا پیش از انکار فلاسفه و تأثیرپذیری حکمای مسلمان از فلاسفه یونان، گرایش اهل علم به مباحث فلسفی قابل توجه بوده و علمای بنامی در این دوره به چنین موضوعاتی اشتغال داشته‌اند؛ هرچند با رشد باورهای دینی، توجه به علوم فلسفی کم‌رنگتر شده و متشرعان بر طرد و تکفیر ایشان اتفاق نظر یافتند. از آنجایی که طوسی در رسیدن به سبک توصیفی خود تحت تأثیر اندیشه‌های حاکم بر جامعه زمانه خویش است، باید گفت در استفاده از علوم مختلف به چند روش عمل میکند؛ در برخی بخشها با استناد به آیات قرآنی، اخبار و احادیث، در مواردی هم به اقوال عالمان و مفسران و بعضی جاها با بازگو کردن باورهای عامیانه به رسالت عجایب‌نگاری خویش وفادار است. او در سراسر کتاب، بویژه در آغاز ارکان و ابواب، استشهادات بسیاری به آیات قرآنی دارد. جز این در برخی مواضع، روایاتی را ذیل عنوان «خبر» -که یکی از اصطلاحات علم حدیث است- آورده است. طوسی برای طرح موضوعات گوناگون در تعامل با چرخه هستی برآمده و از روش توصیفی و به استناد پدیده‌های مادی به شکافت هر عنصر پرداخته و با لایه‌لایه کردن آنها، پیوستگی اجزای آنها را نشان میدهد. افزون بر این، آنچه به سبک نگارش مؤلف اهمیت ویژه‌ای بخشیده، شیوه حکایتگری او در هر باب و رکن است. البته باید مدتظر داشت که به گفته صفا «در این دوره مذاهب اهل سنت، کمال قدرت و رواج را در ایران داشت؛ زیرا مذهب دولتهای غالب و امرای این زمان بوده است. از بین مذاهب مختلف اهل سنت که در قرن چهارم پاره‌ای از آنها رو به ضعف و رو به توسعه و رواج میرفت، در این دوره مجموعاً چهار مذهب اصلی و مهم مالکی و حنفی و شافعی و حنبلی در ممالک اسلامی پذیرفته شده بود» (صفا، ۱۳۵۶: ۱۴۰).

طوسی از جمله نویسندگانی است که در این عصر زندگی کرده است. او برای دور ماندن از آتهاماتی که بر علما وارد شده است، علیرغم آگاهی به علوم غیردینی، ضمن ارائه نظریاتشان در برخی مواضع، آنان را رد و کفه ترازوی شرع را سنگینتر میکند. این رویه به نوعی در تقابل با صبغه علمی طوسی است. میتوان گفت این موضع‌گیری طوسی ناشی از دو مسئله بوده است؛ یکی آنکه متشرعان شدت عمل بیشتری در مواجهه با مخالفان خود داشته‌اند و دیگر اینکه طوسی، عقاید نزدیک به متشرعانی داشته که عجایب‌المخلوقات را ابزاری برای جبهه مبارزه با حکما و فلاسفه زمان خود دیده و فرصت را برای نشر عقایدش مغتنم شمرده است. طوسی متناسب با نوع اندیشه، دانش، تخصص و امور محیط پیرامون خود از تعاریف و اصطلاحات ویژه‌ای استفاده کرده است. این ویژگی باعث تفاوت سبک نوشتاری او شده است و به نظر میرسد سرچشمه این توصیفات آگاه کردن مخاطب از حقایق است و برای مجاب کردن نظر خواننده با زبانی ساده در باب هر موضوع به توصیف آموزه‌های طبیعی میپردازد. از نظر ساختار، عجایب‌نامه طوسی به ده رکن تقسیم شده است. ارکان دهگانه این کتاب عبارت است از:

الرکن الاول: فی عجایب الاجرام العلویه و ما یتعلق بها؛

الرکن الثانی: فی العجایب الی تحدث بین السماء و الارض؛

الرکن الثالث: فی العجایب الارض؛

الركن الرابع: في البلاد و المساجد و الكنائس و غيرها؛

الركن الخامس: في الشجار و الثمار و الحشائش؛

الركن السادس: في عجائب الصور المنقوره و المنقوشه؛

الركن السابع: في شرف الأدمى و عجائب فطرته؛

الركن الثامن: في عجائب الجن و مرده؛

الركن التاسع: في عجائب الطيور؛

الركن العاشر: في البهائم و الحيوانات الكبار.

که پژوهش حاضر با هدف دست‌یابی به سطح فکری و سبک توصیفی طوسی، به بررسی سبکی این اثر پرداخته است. بحث در مورد عجایب اماکن، موجودات اعم از جنّ و انس، حیوان و پرنده، مخلوقات بین زمین و آسمان و حتی فرشتگان و ارواح، از موضوعاتی است که طوسی در کتاب عجایب‌نامه خود به آنها می‌پردازد. او در این کتاب جایگاه عقل بشری و دریافت مقولات دینی بخصوص در قالب کلام وحی را همچنین مورد بررسی قرار داده، سیر مجمل آن را به رشته تحریر درآورده، و تا آنجا که میسر بوده توجیهاات و خاستگاه‌های شرعی را در رابطه با موارد مختلف از طریق امور طبیعی و توصیف آن بیان نموده است.

ژبوا وسل درباره طرح ساختی عجایب‌المخلوقات میگوید: «طرح ساختی این اثر به تقلید از طبقه‌بندی کتاب طبیعیات ارسطو شکل گرفته است. مؤلف به غیر از آیات قرآنی و گفتارهایی از پیامبر و دیگر علما و فضلا، از دیدگاه‌های متفاوتی چون دیدگاه متشرعان، فیلسوفان، حکما، منجمان و دهریان و طبایعیان استفاده کرده و در برخی موارد، از گفته خود یا از نظر سیاحان و جهانگردان و دیگر مردم، مطالبی را نقل میکند. منابع این اثر دو دسته‌اند؛ یکی آرایبی که پیش از آن در رشته‌های گوناگون به رشته تحریر درآمده‌اند و دیگر مطالبی که به استناد گفته‌های جهانگردان آن روزگار، نظیر ابن فضلان، آورده شده‌اند» (وسل، ۱۳۵۴: صص ۵۲-۵۳).

### ویژگیها و مختصات سبکی عجایب‌نامه

توصیف پدیده‌ها، شخصیتها، طبیعت، شهرها، اجنه، سنگها، حیوانات و... در نثر عجایب‌نامه، عینی، کوتاه و مشخص است. محتوای توصیفات برگرفته از دانش نویسنده است که در برخی مواضع به این موضوع اشاره میکند. برای نمونه در توصیف یکی از فرشتگان چنین می‌آورد: «صفت جبرئیل علیه السلام: اما جبرئیل ملکی است امین، ویرا ولی الانبیا خوانند کی وحی بدیشان رساند و دشمنان انبیا را قهر کند، وی را روح القدس گویند، هر جا بوی او برسد حیات و زندگی دهد. جای وی سدره المنتهی است، لقلوله تعالی "عند سدره المنتهی" و این سدره درختی است که عظمت وی کس نداند مگر آفریدگار» (عجایب‌المخلوقات: ۲۵) که با الفاظی ساده و روشن، در جملاتی کوتاه و موجز این فرشته را توصیف میکند و در ورای وصف ظاهری، شیوه درون‌کاوانه خود را به کار می‌بندد.

از لحاظ زبانی، برخی ویژگیهای نثر ششم مانند کاربرد جملات کوتاه، نثر آهنگین، جابجایی ارکان جمله، پیوسته‌نویسی حرف اضافه «به» و نشانه مفعولی «را» به کلمات و... را دارد؛ از لغات و اصطلاحات عربی کمتر از دیگر نویسندگان این سده، استفاده نموده است، اما استناد به آیات قرآنی، در بیشتر توصیفها مشاهده میشود. از لحاظ ادبی، در توصیف و تصویرسازی، به‌کارگیری برخی صنایع ادبی مانند تنسیق الصفات، ایجاز و اطناب درخور توجه است، اما بندرت از تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، یا سجع بهره میبرد. آنچه نثر عجایب‌نامه را از دیگر متون متمایز میکند، سطح فکری این اثر است. از لحاظ فکری، تأثیر نویسنده از اندیشه حاکم بر زمانه، به شکلی که خطوط

فکری مشخصی را برای وی ترسیم نموده، حائز اهمیت است. او در اغلب توصیف‌های خود تلاش میکند هر موضوعی را با استناد به منابع دینی اعتبار ببخشد و هر جایی که اندیشه مخالفی وجود داشته باشد، آن را نقد نموده و غالباً رد میکند. به هر روی، زبان ساده طوسی در توصیف، درک موضوع را برای مخاطب ساده کرده است. استفاده از شیوه نقل قول در بیشتر ارکان دیده میشود. برای نمونه در توصیف شهر کوفه با استفاده از شیوه نقل قول، ویژگی‌های آن را بسادگی برمی‌شمارد: «کوفه شهری بزرگست و بستانها گرد کوفه درآمده است. مغیره بن شعبه گوید «اهل حیره گویند کی پیش از اسلام بدین موضع آتشی درفشیدی، چون نزدیک وی آمدندی ناپدید شدی...» (همان: ۲۶۳) و در ادامه به توضیح دیگر ویژگی‌های این شهر برای آگاهی مخاطب می‌پردازد. درواقع سبک نگارش او بر نوعی توصیف بنا نهاده شده است که آن را براساس ساختاری معین در اثرش دنبال میکند؛ اما با توجه به شکل مواجهه طوسی با مضامین مختلف باید گفت اندیشه، زبان، شکل و شیوه توصیفات و استنادات او نیز در هر رکن متفاوت است.

### ویژگی‌های زبانی

سطح زبانی یکی از مهمترین عناصر متن است؛ لذا بررسی آن در متن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از عمده‌ترین مختصات زبانی نثر عجایب‌نامه میتوان به این موارد اشاره کرد: حذف فعل به قرینه، جایجایی ارکان جمله، پیوسته‌نویسی حروف «به» و «را» به کلمات بعد یا قبل از خود، کاربرد «کی» بجای «که»، کاربرد آیات و احادیث در متن، کاربرد اصطلاحات نجوم، کاربرد اصطلاحات عربی، و بکارگیری دانش حکمت و فلسفه.

**جملات کوتاه:** در این دوره، از دید سبک نثر پارسی به شیوه دیگری از نثر میرسیم که میتوان آن را نثر موزون نامید. ویژگی اصلی نثر موزون بکارگیری سجع است. سجع در نثر مانند قافیه در شعر است؛ بنابراین نثر موزون یا آهنگین با بهره‌گیری از جمله‌های کوتاه، خود را به شعر نزدیک میکند (صفا، ۱۳۵۶)؛ هرچند نثر عجایب‌نامه طوسی، مسجع نیست؛ ولی به تکرار، جملات کوتاهی که به نوعی نثر را آهنگین میکنند در این اثر دیده میشود: «اما آنچه گویند بعضی بر صورت آدمیند. چنانک جوزا والجاش و حوا مسلسل و بعضی بر صورت حیوانند، چنانک حمل و ثور و سرطان و عقرب و اسد و حوت. و بعضی بر صورت جمادند، چنانک میزان و سنبله و اکلیل فاما دیگر ستارها را یاد نکردند. این جمله ظنیات است. این کواکب هست، اما این صورتها بتقریب گویند» (عجایب‌المخلوقات: ۳۴). «بوعبیده گوید: مردی به سفر رفت. سگی با خود داشت. دشمنان وی را بگرفتند و بردند و یاران از وی بازگردیدند. سگ از پس ایشان برفت...» (همان: ۵۸۲). «پس جماعتی کوتاه دیده کی خود را از جمله حکما دانند دیده یکی بر آفتاب آمد وی را پرستیدن گرفت. دیده دیگری بر فلک آمد آن را معبود کرد و راه پیش نمیبرد و از آن غافل ماند کی آفریدگار رب العالمین است هجده هزار عالم آفرید» (همان: ۴۰).

**بسامد و کاربرد آیات و عبارات قرآنی و احادیث:** طوسی در توضیح و توصیف برخی پدیده‌ها بویژه در شروع کلام خود در هر رکن کتاب، به آیات قرآنی و در میانه سخن، به احادیث نبوی استناد میکند. برای نمونه در آغاز «باب الرابع فی عجایب الارض و صفتها اسلام» آورده است: «قال الله تعالی «هو الذی خلق الارض فی یومین و یجعلون له اندادا ذلک رب العالمین.» گفت من خدایم قادر کی بیافریدم زمین را بدو روز، شما مرا همتا میکنید. کدام همتای من چنین زمینی توان آفرید؟ و جای دیگر گفت «الم نجعل الارض مهادا.» نه زمین را آرامگاه شما کردیم؟ منت مینهد بر بنی آدم، کی زمین جای آسایش زندگانست و پرده عورت مردگانست...» (همان: ۱۱۵). و در شروع رکن «فی عجایب التی تحدث بین السما و الارض» چنین استناد میکند: «قال الله تعالی افرء یتم النار التی



تورون اانتهم انشاتم شجرتها ام نحن المنشئون» (سوره واقعه، آیات ۷۱-۷۲) معنی آیت آنست که آفریدگار منت مینهد بر خلقان کی من این آتش آفریدم در درخت، وی را شما انشا کردید یا من و من در آتش منفعتها آفریدم که غریب و شهری را به کار آید و کس از آن نگریزد و بدانک در آتش منفعتها دیدم» (همان: ۷۱). طوسی در روایتی به مزیت عقل آدمی اشاره میکند که موجب برتری انسان نسبت به سایر خلائق است. او قدرت درایت را محصول عقل معرفی میکند و آن را دلیلی برای عروج مقام انسان زمینی به عرش میداند. با توجه به اینکه، این موضوع از جمله مباحث اعتقادی است، نویسنده با استناد به آیات قرآنی به کلام خود اعتبار میبخشد و آیه ۸۵ سوره اسرا را که گواه بر عجز و ناتوانی بشر از درک این موضوع است، مورد استناد قرار میدهد. «فی قوله تعالی» و ما اوتیتهم من العلم الا قليلا» بدانک عقل شریفتر همه موجودات است و گویند جان مرکب عقل است و عقل جوهری است نوری بسیط محیط به چیزها» (همان: ۳۷۶).

### جابجایی ارکان جمله

یکی دیگر از ویژگیهای نثر قرن ششم جابجایی ارکان جمله است که در نثر عجایبنامه نیز بکرات مشاهده میشود. برای نمونه در شاهدمثالهای ذیل، نویسنده در مورد نخست، متمم و در مورد دوم، مضاف و مضاف‌الیه را بعد از فعل آورده است. «شهریست در ولایت هند از سامان چین در آن بتخانه برنجین کرده و بت را بر تخت زرین نهاده» (همان: ۲۳۳)؛ «گویند ملک شاه را با ملک روم منازعت بود، جوینی را به روم فرستاد برسال» (همان: ۳۹۴)؛ «این پسر را به ولایتی فرستاد از بیم ملامت» (همان: ۴۹۴)؛ «گویند شخصی در مصر بتی از سنگ رخام بیافت و در مصر مگس باشد بسیار» (همان: ۶۲۸)؛ «الجنان المحترقان-جنتین دو باغ بود در شهر سبا یکی از راست شهر و یکی از چپ، به تابستان و زمستان میوه بودی در آن نه مار بود و نه کژدم نه پشه» (همان: ۲۹۲).

**حذف فعل به قرینه:** در جای جای متن عجایبنامه حذف فعل به قرینه دیده میشود. این ویژگی نیز از جمله مختصات سبکی نثر قرن ششم است. در نمونه ذیل فعل «است» حذف شده است: «الاسد - برج اسد آتشی است، نونهاری، ثابت در میان تابستان باشد، مشرقی است، سبکرو، بسیار مطالع، مستقیم الطلوع بر صورت شیری پیش وی آتشی، اسد طالع ترکان است و ایرانشهر و مکران و بصره و بربر و در برج اسد کوبی است آن را قلب الاسد گویند قتالست و شمالی» (همان: ۶۶).

فعل «بیافرید» به قرینه در نمونه ذیل حذف شده است: «لقوله تعالی و کان عرشه علی الماء آنکه آفریدگار چهار ملک را بیافرید یکی بر صورت آدمی، یکی بر صورت شیر، یکی بر صورت کرکس، یکی بر صورت گاو» (همان: ۲۲). در شواهد دیگر نیز به ترتیب افعال «است» و «نهاده‌اند» حذف گردیده است: «در خبرست کی ملک‌الموت استاده است و پیش وی درختی، به عدد هر جانوری بر آن برگی، بر هر یکی نام شخصی نبشته، هر گه برگ زرد گردد حربه دارد بر آن زند برگ فروافتد مرد جان بدهد» (همان: ۲۷). «حکما این دوازده برج را صورتها نهاده‌اند، یکی را بر صورت حمل یکی را بر صورت ثور نه بدان معنی کی بر فلک حملست یا گاو یا سرطان و لیکن این برجها یافته‌اند، هر برجی مشتمل بر چند کواکب، وضع آن چون گاو یا عقربی یا کمانی، اما اگر به مسیحه قیاس کنند از سر کمان تا دیگر سر و از سر عقرب تا دنباله وی جز خدا کس نداند کی چند هزار فرسنگست» (همان: ۶۴). «و بدانک بحرهای عظیم چهارند، بحر الاعظم، بحر فارس است طول وی از چین تا حبشه. در آن گردابی آن را خلیج بربری خوانند» (همان: ۱۰۰).

**متصل‌نویسی حرف اضافه «به» و «را»:** حرف اضافه «به» معمولاً جدا نوشته میشود و این ویژگی در سراسر متن عجایب‌نامه وجود دارد؛ هرچند به ظاهر از لحاظ معنایی آسیبی به متن وارد نمیکند، در برخی موارد احتمال خوانش دیگری نیز متصور است: «دیدة هیچ آدمی بطول و عرض و بانتهای وی نرسد و همچنین حال دیگر کواکب و چون روا دارند کی این چنین خرافات گویند تا کوكبی را بپیری مانند کنند و یکی را بجوانی و یکی را بزنی، نعوذبالله من الكذب و الخذلان» (همان: ۶۳-۶۴).

پیوسته‌نویسی «را»: «ملک را ملک برفت خدای تعالی باقی ماند. روز چهارم ویرا بچهار پاره کنند و در چهار کیسه بسوزانند و بیاد بر دهند» (همان: ۲۳۳). «ای شاه ایران چه خواهی تا ترا دهم و زخم ترا علاج کنم ترا بر من حق پرورش است» (همان: ۱۸۷).

**کاربرد «کی» بجای «که»:** حرف ربط «که» بدون استثنا در تمام متن عجایب‌نامه بصورت «کی» آمده است که از جمله ویژگیهای زبانی عصر طوسی است. «منجمان گویند این صورتها بر قطب شمالیست و بگویند کی در هر صورتی چند کواکب است و ما هر یکی در باب خویش بگویم چنانک دب را در فصل حیوان بگویم و تنین را در باب مار و اژدرها و غراب و نسر را در باب مرغان و مسلم نداریم کی بر قطب کی جای قدس است و محل ملائکه روحانی است آنرا خرس و مار کنیم» (همان: ۳۵). «گویند کی اول روز کی عالم آفرید هفت ستاره سیاره در اول دقیقه برج حمل بودند و از آن وقت برج میروند بتفاوت سیر تا جمله در برج حوت جمع شوند آنکه دیگر باره در حمل آیند» (همان: ۴۲-۴۳)؛ «و تنین جانوری است مفلس، متمد و بال دارد عظیم و دو گوش دارد دراز، سر وی چندان بود کی کوهی، وقتی کی ابر ویرا برکشد» (همان: ۸۶).

**کاربرد اصطلاحات نجومی:** استعمال کلمات و عبارات مربوط به علم نجوم و ستاره‌شناسی در بخشی که به توصیف پدیده‌های فلکی میپردازد، امری متداول در عجایب‌نامه است، گویا طوسی با پرداختن به این بخش، قصد تفاخر دارد تا دانش ستاره‌شناسی خود را آشکار کند. صور فلکی عطارد، مریخ، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو، حوت، افق، کوكب، طول و عرض از جمله اصطلاحاتی است که طوسی در رکن اول ذیل «ذکر البروج کیف خلقها الله تعالی» بیش از دیگر ارکان از آنها استفاده کرده است: «الحمل - اول برج حمل است و آن برجی آتشی است نونهاری، مشرقی، سبکرو و اندک مطالع و بر شکل گوسفندی دو سر دارد باز پس مینگرد. گویند کی بر کوه چین و ماچین توده‌ایست، هر گه آفتاب به سر حمل آید، آبی عظیم روان شود» (همان: ۶۴-۶۵). «الحوت - حوت برجی است ماده، آبی، لیلی، شمالی، گران رو، معوج الطلوع، بر صورت دو ماهی سر هر یک سوی دنبال دیگر، پیش آن زنی نشسته» (همان: ۶۹).

**بکارگیری اصطلاحات و کلمات عربی:** نثر قرن ششم مشحون از لغات و ترکیبات عربی است، همان خصیصه‌ای که سبک این دوره را متکلف نموده و درک مفاهیم را منوط به دانستن زبان عربی میکند. این شیوه شگردی برای تفاخر و تبتخر بوده است؛ البته طوسی با توجه به تفکر حاکم و انتخاب اندیشه دینی که سیطره اثر او را متأثر ساخته است، بعید است در پی چنین هدفی باشد. به هر شکل اصطلاحات عربی را در عجایب‌نامه‌اش میتوان دید اما نه به آن اندازه که درک متن را دشوار سازد. او ذیل «ذکر اصناف‌الجن» به این شکل از اصطلاحات و کلمات عربی استفاده کرده است: «... جنسی دیگر شق گویند هم رو نماید و بانگ زند. چنانک علقمه بن صفوان امیه به مکه میرفت و با وی مفرعه بود چون به حایط رسید شق را بدید با وی شمشیری و علقه. گفت «انی مقتول» شق گفت «مالی ولک» و هر دو زخم بر یکدیگر زدند» (همان: ۴۹۶). «حباری - جوزهر باشد، مرغیست جوارح و دشمن

صقر است. هر گه صقر ویرا دریابد حباری بگریزد و بالا گیرد و حدیثی کند بر صقر و در شکم حباری سلخی بود لزج ... گویند کی «سلاح الحباری سلخها» چنانک سلاح طرابی فساد بود» (همان: ۵۱۹).

### ویژگیهای ادبی

هر چند صناعات ادبی همانند تشبیه از جمله مهمترین ویژگیهای ادبی یک اثر است، طوسی غالباً در توضیح و تفسیر موضوعاتی که بر پایه خلقت باری تعالی است، بعد از استنادهای قرآنی گاهی به شیوه مفسران عمل نموده و به تفسیر روی می‌آورد و گاهی نیز تحت تأثیر فلاسفه در توضیح پدیده‌ها با جزء جزء کردن و تقسیم‌بندی موضوع، به شرح و توصیفشان میپردازد. او با این روش، (عینی کردن موضوع) در خلال توصیف، درک را ساده‌تر میکند. یکی از موارد برجسته‌ای که در اثر طوسی از لحاظ ادبی قابل بررسی است، توصیف و تصویر آن است.

**توصیف و تصویر:** «در قرن ششم در توصیف و مجسم ساختن امور، توجهی به موازنه و مترادفات و سجع و حشو ندارند و توصیفات را در قالبی واضح و روشن بیان میکنند» (بهار، ۱۳۸۱: ۲۸۲). طوسی نیز با بیان کوتاه، عینی و مشخص توصیف میکند و از جملات طولانی استفاده نمیکند: «و صورت زهره از قول حکما زنیست بجمال بر سر وی کوزه زرین بر سریری نشسته بالای وی درخت انگور، در زیر تخت وی چهار زن، هر یک دست ریحان دارند و میبیند. والعلم عندالله» (همان: ۶۳).

یا در توصیف و تصویرسازی «گاواپی» میگوید: «گاواپی جانوریست عظیم و هولی دارد. و اول کی بچه بزاید سرخ بود، خال خال. آنکه خالها پنهان شود، شکم وی سپید بماند...» (همان: ۵۵۶). «و صورت مریخ از قول منجمان جوانی است در دست حربهای، بر تختی مدور نشسته، در زیر وی کفتاری و گرگی و سگی و خروسی آن را نحس اصغر گویند.» (همان: ۶۲).

**تنسيق الصفات:** آوردن چند صفت برای یک موصوف، از شیوه‌های طوسی در توصیف است که سطح ادبی اثر او را از دیگران متمایز میکند. او در توصیف بروج فلکی غالباً به این شیوه عمل مینماید: «یاقوت - جوهری است سرخ و زرد و کبود، سرخ از همه نیکوتر بود و از همه جواهر سنگیتر، بر آتش صبورتر، در معاجین کنند تفریح و تقویت دل کند بغایت، تا حدی کی اگر در دهان گیرند تفریح کند» (همان: ۱۵۹). «برج ثور برجیست خاکی، ماده، لیلی، جنوبی، مستقیم‌الطلوع، گران‌رو، بر صورت گاوی، بدوپاره» (همان: ۶۵).

**اطناب:** طوسی در ابتدای برخی ارکان، برای نمونه در آغاز رکن الرابع (فی البلاد و المساجد و الكنائس و غیرها) توصیف خود را با آیه کریمه‌ای آغاز میکند که به اقتضای شرح آیات و برای روشن شدن موضوع، کلام را بسط داده و بتفصیل توضیح میدهد. «قال الله تعالی «و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احد» (جن / ۱۸) و بعد از طرح مقدمه، روایاتی چند مبتنی بر منابع تفسیری و خبری نقل میکند که نمونه‌ای از آن بدین شرح است: «بدانک اول مسجد مسجد بیت‌المقدس است، داوود علیه‌السلام آن را بنا کرد، طول وی هزار ارش و عرض وی هفتصد ارش در سقف آن چهار هزار درخت، در آن هزار و هفتصد ستون نهاده و از سلسله‌ها هزار و پانصد عدد از زر و برنج و هر شب هزار قندیل سوختی و هر سال هزار هزار ارش حصیر در آنجا کشیدی... چون نوبت به سلیمان رسید دیگر عمارتها کرد در آن بسیار، و فی‌الجملة مسجدیست عظیم و قبله صدویست و چهار هزار پیغمبرانست» (همان: ۱۶۳-۱۶۴).

## ویژگیهای فکری

مضامین بکارگرفته‌شده در هر اثر نشان‌دهنده ویژگیهای فردی و تمایلات درونی نویسنده است. خواننده در متن عجایب‌نامه با دو نوع تفکر مواجه است:

**تفکر دینی:** تفکر دینی در خلال شرح مباحث اعتقادی قابل مشاهده است و طوسی با استنادهای قرآنی و یا احادیث نبوی به آنها اعتبار میبخشد، مانند استفاده از آیه ۱۴ سورة النبأ: «قال الله تعالى «وانزلنا من المعصرات ماء ثجاجا» تا اینجا کی الفافا.» خدای تعالی میگوید: «ما آب را از ابرها بیارنیم تا نباتها بدان بروید و بستانها بدان پرورده شود و میوهها آرد» و بدانک شرف آب این تمامست کی در قرآن گفت: «و کان عرشه علی الماء» و جای دیگر گفت: «وجعلنا من الماء کل شی حی.» یعنی همه موجودات را حیوه در آب نهادم» (همان: ۸۷). و یا به آیه ۳۱ سورة مدثر اینگونه استناد میکند: «گوییم آنچه گفتند کی ملایک ارواحند مسلم داریم و آنک گویند باقیند با اجرام علوی مسلم نداریم و گوییم آن را آخریست و زوالی باشد و آنچه باقی ماند دار الخلد حورالعین بقاء آن آفریدگار دهد، نه از ذات خویش باقی ماند و آنچه گویند بر قطبها چهل هزار روحانیست مسلم داریم. لقوله "و ما یعلم جنود ربک الا هو" و چهل هزار ملک را صورت کرده‌اند و معزمان بر آن حکمها کنند و گویند ملکی بود نام وی شمربایل صورتها را تباه کرد مگر چند ختم را کی معزمان به کار دارند» (همان: ۳۱).

**تفکر حکمی و فلسفی:** تفکر حکمی و فلسفی، بیشتر در طرح موضوعاتی مانند توصیف برجهای فلکی یا خاصیت اشجار و اثمار به آنها تمسک جسته و نهایتاً علم چنین مباحثی را تنها به خدا نسبت داده و یا درست و غلط بودنشان را بر عهده‌ی او می‌نهد. طوسی ذیل «ذکر البروج و کیف خلقها الله تعالی» گوید: «و حکما این دوازده برج را صورتها نهاده‌اند، یکی را بر صورت حمل یکی را بر صورت ثور نه بدان معنی کی بر فلک حملست یا گاو یا سرطان ولیکن این برجها یافته‌اند، هر برجی مشتمل بر چند کواکب، وضع آن چون گاو یا عقربی یا کمانی، اما اگر به مسیحه‌ی قیاس کنند از سر کمان تا دیگر سر و از سر عقرب تا دنباله‌ی وی جز خدا کس نداند کی چند هزار فرسنگست» (همان: ۶۴). و یا ذیل «فی صفة السموات و خلقتها» چنین می‌آورد: «بدانک حکما گویند در ماهیت آسمان و کس نداند کی چیست. اگر فلک از آب بودی قصد زیر کردی، اگر از باد بودی به هوا درآمیختی، اگر از خاک بودی قصد خاک کردی، اگر از آتش بودی همرنگ آفتاب بودی، پس آفریدگار داند کی چیست» (همان: ۳۸) که با توجه به چنین موضع‌گیری میتوان گفت نویسنده عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات در توصیف مباحث مختلف تحت‌تأثیر تفکر دینی است.

## خطوط فکری در عجایب‌نامه طوسی

تفکر حاکم بر عصر طوسی، اندیشه‌ها و باورهای متعصبانه‌ی اهل سنت قرن ششم است که مردمانش از سالیان دور با باورهای خرافی زیسته، روزگار گذرانده و آنها را سینه به سینه به جامعه‌ی قرن ششمی رسانده‌اند؛ باورهایی که در برخی مواضع در تقابل با آرای حکومتیان عصر طوسی قرار می‌گیرد. طبیعی مینماید نویسندگانی چون طوسی که از جمله‌ی متشرعان این عصرند برای تبری جستن از آرای تکفیری، موضع خود را در طرح هر موضوع با محتوای دینی برگرفته از منابع معتبر، ضمن بهره بردن از اقوال عامه برای تداوم پیوند مردم زمانه با چنین آثاری حفظ کنند. برای رسیدن به سطح فکری، شناخت عصر نویسنده الزامی است. «در برخورد با متن کلاسیک باید منظومه‌ی ارزشی-اخلاقی خود را کنار بگذاریم و سنتهای حاکم بر عصر نویسنده را بشناسیم. درک این نکته برای استفاده صحیح از تاریخ ادبیات در سبک‌شناسی بسیار مهم است» (شریفی، ۱۳۹۷: ۸۸). طوسی با تکیه بر قرائت دینی

خود در طول اثر، ضمن بهره جستن از آرای دینی از روش سایر گروههای فکری زمانه خویش نیز استفاده نموده است. یکی از غالبترین خطوط فکری مسلط بر عجایب‌نامه طوسی، خطوط فکری متشرعان است. ایشان عمدتاً همان کسانی هستند که به اصول و فروع دین کاملاً مسلط بوده و به آنها پایبند هستند. به نظر میرسد متشرعان این دوره تاریخی متشکل از افراد متعصبی هستند که با اهدافی خاص سعی در برقراری پیوند دین و سیاست زمانه خود دارند. مذهب غالب این زمان، تسنن است و فریق اهل سنت سعی در برتر جلوه دادن آن دارند که در این میان حکما و فلاسفه و دیگر ادیان و مذاهب نیز مورد تأیید ایشان نبوده است.

با توجه به سیطره تفکری تشریح در زمانه طوسی و همچنین تأکید حاکمیت بر پیوند با جامعه دینی‌ای که به نوعی مشروعیت خود را مدیون آن است، طوسی آنچنان که در اثرش آشکار است، از مستندات دینی برای طرح اغلب موضوعات بهره‌مند شده است. بر این اساس میتوان قائل به وجود ساختاری مشخص برای مندرجات عجایب‌نامه طوسی باشیم، زیرا او اغلب مباحث را با استناد به آیات قرآنی و روایات و اخبار دینی، آغاز میکند. البته در این دوران استفاده از آرای متشرعه امر بدیهی بوده است؛ چنانچه مسعودی نیز، در کتاب *مروج الذهب*، آغاز خلقت را چنین شرح میدهد: «آنچه درباره آغاز خلقت گفتیم همان است که شریعت آورده و سلفی از خلف و بازمانده از رفته نقل کرده و ما همچنان که از کلماتشان دریافته و در کتابهایشان یافته‌ایم بیان کردیم، بر حدوث جهان دلیلهای روشن هست، ولی از گفتار اهل ملل که موافقان حدوثند و گروه مخالفان که معتقد قدمند، چیزی نیاوردیم که این مطالب را در کتب سابقه خویش یاد کرده‌ایم و در بسیاری موارد این کتاب شمه‌ای از علوم نظر و برهان و جدل که مربوط به آراء و عقاید است به طریق خبر گفته‌ایم» (مروج‌الذهب: صص ۲۲-۲۳). با وجود شواهدی از این دست، میتوان گفت اینگونه توصیفات عمدتاً متأثر از اندیشه‌های حاکم بر جامعه زمانه نویسندگان چنین آثاری است.

طوسی غالباً در وصف چنین پدیده‌هایی با استناد به قرآن کریم، عالیترین منبع و مرجع علمی مسلمانان، به کلام خود اعتبار میبخشد: «اجرام العلویه و ما يتعلق بها» نخستین رکن عجایب‌المخلوقات و قویترین آنها در نوع پرداخت بلحاظ استنادات معتبر بکاررفته است. طوسی بر مبنای نظام فکری و اندیشه دینی خود، در برخورد با موضوعاتی که با باورهای دینی بشر سروکار دارد حتی‌المقدور با استنادات معتبر قرآنی به توصیف میپردازد. او در توصیفات خویش در ابواب مختلف، تلاش در تعریف مصادیقی از ارتباط هر پدیده با دین دارد: «لِقَوْلِهِ تَعَالَى وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ أَنْكَهَ آفَرِيدُكَرَّارَ چَهار مَلِكٍ رَا بِيَا فَرِيدُ يَكِي بَر صَوْرَتِ شِير، يَكِي بَر صَوْرَتِ كَرَكْس، يَكِي بَر صَوْرَتِ گَاو و آن را برداشتند و به هفت هزار سال بر زانو آوردند و از الله تعالی قوت خواسته تا آن را بر کتف آوردند» (عجایب‌المخلوقات: ۲۲) که برگرفته از آیه ۷ سوره هود است: «وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ لَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّا نَكْفُرُ بِمَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ. او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید؛ و عرش (قدرت) او بر آب قرار داشت؛ او جهان در آغاز توده مذابی بود، او آن را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک عملتان بهتر است. و اگر [به آنها] بگویی: «شما بعد از مرگ، برانگیخته میشوید. به یقین کافران میگویند: «این سحری آشکار است.»

نویسنده عجایب‌نامه در همین ارکان در برخی موارد، ضمن استناد به اقوال حکما از جمله دهریون آنان را نقد میکند: «بدانک دهری را چشم بر فلک آمد و بزرگتر از وی هیکلی ندید و از فلک آخرین خبر نداشت و چشم از فلک آنقدر تواند کی دید کی چشم پشه بیند از اندام فیلی و در مثل آید کی جماعتی از پشه برفتند تا فیل را

بینند، یکی بر سر فیل نشست و یکی بر پایش نشست و یکی بر خرطوم و یکی بر گوشش. پس باز گردیدند. پشه پرسید کی فیل را چگونه دیدی؟ آنک بر پای نشسته بود، گفت "فیل به عمودی ماند" و آنک بر خرطوم نشسته بود گفت "فیل به اژدرها ماند" و آنک بر سر نشسته بود گفت "فیل به کوهی ماند." و آنک بر گوش نشسته بود گفت "به گلیمی ماند." چشم هریک آنچ دید بیش از آن آگه نشد و از آن مقدار کی دید باز گفت «همان: ۳۹».

### مصادیق فکری منتج به سبک توصیفی

طوسی در توصیفات خویش در ابواب مختلف، تلاش در تعریف مصادیقی از ارتباط هر پدیده با دین دارد. برای نمونه در طرح موضوع رجحان آدمی بر بهایم، به توصیف این پدیده‌ها میپردازد. او با استناد به تفاوت میان انسان و بهایم، دیدگاه خود را که متأثر از اندیشه حاکم بر جامعه (اندیشه‌های دینی) است اینگونه بیان میکند: «بدانک فرق میان آدمی و بهایم نه همین صورت است، یا آنک گویی آدمی حیوان ناطق، ضحاک بکاء زیرا کی ابله و مجنون با وی شریکند و لیکن فضیلت آدمی به عقل است و تقوی. و آدمی مطیع و عاقل بهتر از فرشته بود و آدمی جاهل و عاصی کمتر از بهیمه بود تا بدانی کی آدمی را نوعی از شرف است بر فرشته زیرا کی روز قیامت ملائکه خدمت مطیعان کنند، لقوله تعالی «یدخلون علیهم من کل باب سلام علیکم». یعنی ملائکه از در بهشت درمی آیند و سلام میکنند بر مؤمنان. و بعضی از حکما آدمی را عالم‌الصغیر خوانند و بعضی وی را سلسل‌العالم‌الکبیر خوانند، زیرا کی جمله معانی کی در عالم است در آدمی موجود است از حواس پنجگانه. صولت شیر و ثبت شتر، غدر و غارت گرگ، حیلۀ روباه، بددلی گنجشک، جمع کردن مورچه، سخاوت خروس، الفت سگ، زیرکی کرم پیله، اهتدای کبوتر. همه چیزها به دست سازد، همه آوازا به دهان حکایت کند. در وی سرخی از نتایج آتش و سیاهی از نتایج زمین و خون از نتایج هوا و تری از نتایج آب. استخوانش صفت سنگ دارد، مویش صفت گیاه دارد و عقل و تمیزش خاص است بر دیگران» (همان: صص ۳۷۲-۳۷۳). طوسی تقوایی‌نگاری به همراه مطیع بودن به اوامر الهی را از فضایل انسانی توصیف میکند.

### نتیجه‌گیری

طرح شگفتیهای جهان، از موضوعات موردعلاقه مردمان در دوره‌های مختلف در همه ادیان دنیاست. با دقت در متون گذشته ایران پس از اسلام، به این نکته پی میبریم که موضوعات و موجودات عجیب بعنوان یکی از جذابترین موضوعات دوره‌های تاریخی و اجتماعی مورد توجه دانشمندان و نویسندگان ایرانی بوده است. یکی از مباحث چالش‌برانگیز در اثر طوسی، ضمن پرداختن به موضوعات مختلف با تأکید بر برخی منابع، طرز تلقی شخص نویسنده از طرح آن موضوع و سبک توصیفی وی است. در پژوهش حاضر که با هدف بررسی ویژگیهای سبکی با تأملی در سطح فکری و سبک توصیفی طوسی در عجایبنامه انجام شد، باید گفت هنگامی که سبک نویسنده بلحاظ محتوایی و فکری مورد بررسی قرار میگیرد، مؤلفه‌هایی چون شخصیت، محیط جامعه و جهان‌بینی اثرگذارند، این مسائل در توصیفات عجایب‌نامه نیز بخوبی نمود یافته است. در این پژوهش بررسی ویژگیهای سبکی با تأملی در سطح فکری عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات طوسی موردنظر است. اثری که از لحاظ اطلاعات تاریخی، جغرافیایی، نجوم، علوم طبیعی و... جای بحث و بررسی داشته و میتواند منبع ارزنده‌ای برای آشنایی با باورهای مردمان دوران قرن ششم باشد. نویسنده از آغاز به سیر تطور خلقت در ارکان نخست به آفرینش آسمان و زمین و هرآنچه در میان این دو خلق شده‌اند پرداخته و سپس موضوعات دیگر را شرح داده و در قالب سبک توصیفی خود با زبان و بیان

ساده برای معرفیشان به مصداقهای عینی و طبیعی متوسل میشود. طوسی قصد دارد خلق هر پدیده‌ای را از اوهمات جدا کند و بر نوع ایجادشان از نیستی خط بطلان بکشد؛ بهترین گواه این مطلب، استناد او به آیات قرآنی است که در دین و شریعت بر آن تأکید شده است.

تأمل در سطح فکری عجایبنامه از میان ده‌ها موضوعی که در این اثر میدرخشد، خوانندگان را به باورهای کهنی از عالم میرساند که با گذر زمان شاید تنها از لحاظ ساختار زبانی، تفاوت‌هایی اندک را میانشان احساس کنند و گرنه آنچه درباره این موضوعات از دیدگاههای مختلف تا به امروز طرح شده و مورد تدقیق قرار گرفته‌اند، کمابیش برگرفته از همین کهن‌الگوهای هستند که در آثار مختلف نویسندگان قرون گذشته قابل‌درک و دریافت است؛ هرچند دور از ذهن نیست که بشر در عبور از تونل زمان تحت تأثیر عوامل متعدد، به دریافت‌های عمیقتری در مورد عالم هستی دست یابد.

نتیجه تحقیق نشان میدهد نویسنده در توصیفات خود اعم از توصیف آسمان و زمین و هرآنچه در بینشان خلق شده، اماکن، جن و انس، احجار، حیوانات و... با توجه به اندیشه غالب بر جامعه (تفکر دینی)، با تأکید بر مستندات موجود زمانه سعی در انتشار عقاید حاکم بر عصر خویش دارد. هرچند در این اثر نشانه‌ای از موضوعات سیاسی نیست، اما در مقابل به مضامین دینی و گاه حکمی و فلسفی و اجتماعی در اغلب توضیحات توجه شده است. بر این اساس حضور و بروز موضوعات دینی و شخصی نویسنده آشکار است. بازتاب این موضوعات در اغلب توصیفات طوسی، نشانگر دغدغه‌مندی او برای رواج عقاید دینی با هدف هم‌سویی با حکومت وقت و دوری از عقاید تکفیری زمان مانند عقاید حکما و فلاسفه اعم از دهریان، طبایعیان و منجمان، و البته رشد سطح فکری آحاد جامعه از نظر نویسنده است. طوسی تلاش میکند پیوند مردم زمانه خود را با تفکرات مذهبی حاکم، ضمن اشاره به باورهای عامیانه رایج، حفظ نماید. همچنین باید بر این مطلب صحنه گذاشت که از نظر مؤلف، استفاده از سبک توصیفی، دلیل و برهانی است بر تأیید گفته‌های خود یا گفته‌هایی که از دیگران نقل شده است.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان استخراج شده است. سرکار خانم دکتر مریم غلامرضا بیگی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم وحیده سلطانی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر مریم شایگان به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

### REFERENCES

The Holy Quran

- Ashkuri, MohammadJa'afar, Mousavi, Seyyed Jamal and Sadeghi, Masoud. (2016). "Magic Painting in Islamic Civilization". *Islamic History Studies*, vol. 33, pp. 29-51.
- Bahar, Mehrdad. (2015). from myth to history. 9th edition, Tehran: Cheshme.
- Bahar, MohammadTaqi. (2006). Stylistics, Tehran: Zavar.
- Hamedani, Mohammad ibn Mahmoud. (2010). Ajayebnameh, edited by J'afar Modarres Sadeghi, Tehran: Nahr-e-Karzan.
- Masoudi, Ali ibn Hossein. (1999). Moruj al-zahab, translated by Payandeh A. first volume. Sixth edition. Tehran: Scientific and Cultural.
- Motahari, Morteza. (2001). the collection of works of Martyr Motahari, 10th edition. Qom: Sadra.
- Rezaei Mohammad and Khairi, Fahime. (2016). "Stylist analysis of the novel Jeremiah by Reza Amirkhani". *Sustainability Literature*, vol. 17, pp. 133-156.
- Safa, Zabihullah. (1975). History of Literature in Iran. Second volume, fifth edition. Tehran: AmirKabir.
- Shamisa, Siroos. (2000). prose stylistics, 4th edition, Tehran: Mitra.
- Sharifi, Azadeh. (2017). Applied stylistics, Tehran: Fatemi.
- Tusi, Muhammad ibn Ahmad. (2011). Ajaib al-Makhlūqat and Gharaib al-Mujojat, with the efforts of Sotoudeh M. fourth edition. Tehran: Scientific and Cultural.

### فهرست منابع فارسی

قرآن کریم

- اشکواری، محمدجعفر، موسوی، سیدجمال و صادقی مسعود، (۱۳۹۶)، «عجایب‌نگاری در تمدن اسلامی». مطالعات تاریخ اسلام، ش ۳۳، صص ۲۹-۵۱.
- بهار، محمدتقی، (۱۳۸۶)، سبک‌شناسی، تهران: زوآر.



- بهار، مهرداد، (۱۳۹۵)، از اسطوره تا تاریخ. چاپ نهم، تهران: چشمه.
- رضایی محمد و خیری فهیمه، (۱۳۹۶)، «بررسی سبک‌شناسانهٔ رمان ارمیا اثر رضا امیرخانی». ادبیات پایداری، ش ۱۷، صص ۱۳۳-۱۵۶.
- شریفی، آزاده، (۱۳۹۷)، سبک‌شناسی کاربردی، تهران: فاطمی.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۹)، سبک‌شناسی نثر، چاپ چهارم، تهران: میترا.
- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۵۶)، تاریخ ادبیات در ایران. جلد دوم، چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.
- طوسی، محمدبن احمد، (۱۳۹۱)، عجایبالمخلوقات و غرایبالموجودات، به اهتمام ستوده م. چاپ چهارم. تهران: علمی و فرهنگی.
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۷۸)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمهٔ پاینده ا. جلد اول. چاپ ششم. تهران: علمی و فرهنگی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۰)، مجموعه آثار شهید مطهری، چاپ دهم. قم: صدرا.
- همدانی، محمدبن محمود، (۱۳۹۰)، عجایب‌نامه، ویرایش جعفر مدرس صادقی، تهران: نشر مرکز.

#### معرفی نویسندگان

**وحیده سلطانی‌نیا:** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

(Email: [soltaniava38@gmail.com](mailto:soltaniava38@gmail.com))

**مریم غلامرضاییگی:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: [beigi@iauk.ac.ir](mailto:beigi@iauk.ac.ir))

**مریم شایگان:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.  
(Email: [maryamshayegan46@yahoo.com](mailto:maryamshayegan46@yahoo.com))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

#### Introducing the authors

**Vahide Soltaninia:** Ph.D. Student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

(Email: [soltaniava38@gmail.com](mailto:soltaniava38@gmail.com))

**Maryam Gholamrezabeigi:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

(Email: [beigi@iauk.ac.ir](mailto:beigi@iauk.ac.ir): Responsible author)

**Maryam Shaygan:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

(Email: [maryamshayegan46@yahoo.com](mailto:maryamshayegan46@yahoo.com))